



# در برابر حمله فرهنگی غرب مسلح نشویم!

حجة الاسلام محمدتقی رهبر



(۳)

سراسیمه و ناشایسته‌ای از سوی سرمدمداران فرهنگ غربی با پدیده‌هایی است که آنان آنرا جهش برقی از فرهنگ اسلام و نشانه تفوذ روز افزون اسلام تلقی می‌کنند و در مقابله با آن بقدری صبر و متانت را از دست می‌دهند که یکباره رؤسای کشور به مبارزه جونی در برابر چند دختر بچه متعبد و چند خانوادۀ فقید مسلمان ظاهر می‌شوند.

## توحش فرهنگی جدید فرانسه

اگر جنایت و توحش فرهنگی دیگر فرانسه در ماجرای نابود کردن صد کتاب ارزشمند اسلامی مربوط به تمدن، فرهنگ، هنر و ریاضیات و ادبیات اسلامی در کتابخانه مرکزی پاریس را که همزمان با حمله فرهنگی علیه حجاب اتفاق افتاده است در نظر بگیریم به هویت فرانسه و کینه‌های فضاقت‌سوز رژیم این کشور بیش از پیش پی خواهیم برد. این صلیبی‌گری جدید و تروریسم فرهنگی که لکه ننگی است بر دامن غرب، زمانی اتفاق می‌افتد که کتاب مبتذل و کفر آمیز آیه‌های شیطانی و امثال آن زیر چتر بازار مشترک اروپا و آمریکا و فرانسه و انگلیس و امثالشان علیه مقدسات آسمانی و ارزشهای اسلامی و معتقدات و احساسات بیش از یک میلیارد مسلمان جهان چاپ و منتشر می‌شود.

برداشت همه تحلیل‌گران این است که محافل غربی از گسترش برق‌آسای اسلام در تیرگی‌های جاهلیت قرن بیستم به وحشت افتاده و اینگونه عکس‌العمل‌ها، زوزه‌هایی است به نشانه و حکایت از دردی که به اعماق استخوان پوسیده استعمار رسیده و به تلافی آن سلاح علیه اسلام انقلابی یعنی اسلام ناب محمدی (ص) برگرفته است. انعکاس این حقیقت را در خبرگزاریها و رسانه‌های امپریالیستی نیز بوضوح مشاهده می‌کنیم، خبرگزاری فرانسه در این باره می‌گوید:

یک کشور با اصطلاح لیبرال و مهد آزادی می‌داند، زوی حجاب چند دانش‌آموز مبلغان اینقدر حساسی شده و چپ‌گرایان و راست‌گرایان فرانسوی با یک زبان علیه حجاب اسلامی اعلام جنگ می‌دهند؟! آیا جز این است که فرانسه از حجاب بعنوان سمبل و نمودار فرهنگ اسلام هراسان است؟ ایانه این است که از نفوذ این پدیده و گسترش ایدئولوژی انقلابی اسلامی و شرافت اخلاقی آن که همه موارث ابتدال فرهنگ غرب را تهدید می‌کند وحشت دارد؟ آیا باین دلیل نیست که پرچم حجاب در فرانسه و سایر کشورهای جهان بعنوان اعتراض علیه نظامهای ضد ارزشی استکبار و جاهلیت نوین همانند رابست آزادی در برابر سلطه دشمنان شرافت و حیثیت انسانی، برافراشته شده است؟ و همانگونه که مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای طی بیاناتی فرمودند: «آنچه در هفته‌های اخیر در فرانسه و بعضی دیگر از کشورهای اروپائی جنگ روسری نامیده شده در واقع مبارزه

پنج تن از فرهنگیان چپ‌گرای فرانسوی بیانه‌ای علیه حجاب صادر کردند تحت این عنوان: «استادان! سلاح خود را زمین نگذارید» یعنی جنگ یا حجاب اسلامی را ادامه دهید... یکی از اعضای پارلمان فرانسه در مورد حجاب و برخوردی که در یک محدوده محلی اتفاق افتاده می‌گوید: «این یک قضیه ملی است که با شرافت فرانسه!! و آینه آن گره خورده است» مسئله حجاب و ماجرای اخراج چند دانش‌آموز یا حجاب مسلمان توسط مدیر مدرسه «کو بیل» فرانسه کم‌کم بصورت یک جنگ تمام عیار فرهنگی در آمد و به مباحث ایدئولوژیکی، روانی، اجتماعی، سیاسی و اداری نیز کشیده شد تا بدانجا که از زبان یکی از اعضای پارلمان فرانسه خواندیم که این مسئله را بعنوان یک قضیه ملی تلقی کرده که با شرافت فرانسه! گره خورده است و فرهنگیان این کشور بیانه صادر کردند و هشدار و آماده باش دادند... که سلاح را بر زمین نگذارید!

راستی چه اتفاق افتاده که فرانسه که خود را

## موضع تاکتیکی امپریالیسم در برابر اسلام

«تصادف تاریخ چنین خواست که پیدایش فضای باز سیاسی در بعضی از کشورها نقش کانالیزور را در این پدیده ایفا کند برای خالی کردن زیر پای اسلام ناب، تعداد زیادی از رژیم های حاکم ناگزیر شدند با صدای هرچه قوی تر و رساتر خود را از پیروان دین پیغمبر (ص) نشان دهند! اکنون با صدای در آمدن زنگ ورشکستگی ایدئولوژی های چپ نه تنها احزاب مارکسیستی بلکه لیبرالها نیز ناگزیر به تجدید نظر در استراتژی خود هستند...» سپس تجلی اسلامگرایی جدید در اردن، و موفقیت نیروهای اسلامی در بدست آوردن ۳۱ کرسی از هشتاد کرسی پارلمان این کشور و نیز رشد طرفداران اسلام در تونس و مسئله انتخابات قانونگذاری، و رسمیت یافتن حزب اسلامی نجات در الجزایر و لحن اسلامی و موضع ملایم گرفتن رژیم مصر نسبت به میانه رویهای احزاب اسلامی مصر و همچنین اوضاع سودان را یاد کرده و با اشاره به وضع اراضی اشغالی می نویسد: «در اراضی اشغالی بنیاد گرایان ویژه محسوسی در قیامهای مردمی در کرانه باختری رود اردن و نوار غزه محسوب می شوند. مقامات اسرائیل معتقدند در صورت برگزاری انتخابات در این اراضی نیروهای اسلامی در صد بالائی از آراء را بدست می آورند...»<sup>۲</sup>

این بود خلاصه ای از گزارش خبرگزاری فرانسه که ورشکستگی و موضع انفعالی امپریالیسم فرهنگی در برابر نفوذ انقلاب اسلامی در جای جای جهان را باز می گوید و وحشت اقطاب استکباری و عوامل دست نشانده آنها را نشان می دهد و باز هم عمق اضطراب مستکبران جهان بیش از آنست که در این مقال بگنجد. تنها به یک نمونه دیگر از اعترافات جهانخواران اشاره می کنیم.

چندی پیش «دانیل پایس» رئیس انجمن سیاست خارجی آمریکا در یک کنفرانس که در استانبول ترکیه برگزار شده بود گفت: «امکان ندارد که روزی آمریکا با مسلمانان تندرو سازش نماید، چرا که آنان نه تنها قصد عقب راندن ما را از خاور میانه از جنبه نظامی دارند بلکه دفع فرهنگی ما را نیز در سر می پروراند.»

وی در ادامه اظهار داشت: «آیت الله خمینی به راحتی توانست مارکسیسم را از میان برداشته و مارکسیست ها را شکست دهد. البته این به علت ناتوانی فکری آنان بود ولی جنگ مسلمین با افکار غربی همچنان ادامه دارد و بدین جهت است که مسلمانان تند رو غربی ها را دشمن اصلی خود می شنوند»

سپس نامبرده با اشاره به مواضع امام فقید امت (رضوان الله علیه) در برابر فرهنگ غربی می گوید: آیت الله خمینی زمانی گفته است: «چیزی که بیشتر از سربازان آمریکائی نفرت مرا برمی انگیزد غرب و بطور کلی فرهنگ آمریکائی است.»

و در بخشی دیگر می گوید: «در گذشته ما هیچ کینه ای از اسلام در دل نداشتیم و حتی حساسی برای آن باز نکرده بودیم ولی امروز مسئله کاملاً فرق می کند و لازم است که تمامی ما با این پدیده نوظهور در ایران و برخی کشورهای دیگر با احتیاط کامل برخورد نماییم. مسلمانان ایران دارای ارزشها و الگوهای هستند که از آن نیرو می گیرند و ایران بعنوان آزمایشگاهی برای مسلمانان تندرو بشمار می رود که اگر تجربه آن موفق شود به مسلمین کشورهای دیگر نیز سرایت خواهد نمود...»<sup>۳</sup>

## وحشت از اسلام ناب محمدی (ص)

این سخنان بسیار جاس و هشدار دهنده است. استکبار جهانی بویژه غرب و شیطان بزرگ آمریکا از اسلام ناب و حرکت انقلابی که رهبر فقیدمان حضرت امام خمینی (اعلی الله درجه) دو گستره گیتی پدید آوردند و ملت های درند جهان را بیدار کردند، ضربه خورده است، ضربه ای که جبرانش ممکن نیست. پر خاش و عصیان علیه قدرتهای بزرگ و چهره های منفور استعمار و ایادی آنها هر روز بعد جدیدی می گیرد و خاکریزهای استکبار را یکی پس از دیگری فتح می کند و این را دشمنان در یک ارزیابی دقیق و کارشامانه فهمیده که خطر جدی برای منافع و سلطه نامشروع اوتنها و تنها فرهنگ اسلام است (اسلام ناب محمدی نه اسلام آمریکائی) و نه چیز دیگر... لذا برای نابودی یا مسخ یا بی اثر ساختن آن کمر بسته اند و تبلیغات جادویی و حیالت ابلسی و دفاتر خیری و رسانه های

عمومی را با بوقهای پراوازه خود و دلار و غیره جنسی و توطئه ها و جاسوسی ها و ابزارهای دیگر را بکار گرفته به حجاب حمله می برند در دانشگاهها و مدارس علیه دختران با حجاب جبهه می گشایند، کتابهای اسلامی را در کتابخانه مرکزی پاریس به آتش می کشند، اسلام خواهی و بقبول آنها بنیادگرایی را محکوم می کنند، عواملشان را در داخل و خارج به ترویج فساد و ابتذال تشویق می کنند، بی حجابی، بدحجابی، انحراف و گناه را تبلیغ می نمایند نشریات فراریان ضد انقلاب خارج کشور را اعانه و کمک می دهند و هزاران تیرنگ و شیطنت و جنایت دیگر که از سوی دشمنان اسلام و انقلاب و با همدستی مشتی عناصر خود فروخته در داخل و خارج سازماندهی و اجرا می شود. این همان چیزی است که مطبوعات آمریکائی آنرا جنگ سوم خوانده اند.

## نگذاریم ارزشها را مسخ و بی رنگ کنند

خلاصه آنکه ارزشهای معنوی انقلاب و اخلاق و فرهنگ اسلامی، از یکسو دشمنان را به خشم و زوزه های ذلیلانه و رذیلاته واداشته که این عکس العمل ها را نشان می دهد، که رسالت داران دلسوز اسلام باید بهوش باشند و برای مقابله سلاح برگزینند... و از سوی دیگر همین ارزش هاست که در چشم انداز مسلمین و محرومین جهان جلوه کرده و پرستیژ انقلاب اسلامی را بالا برده است و بدین خاطر همه مسلمانان به ایران اسلامی چشم دوخته تا تجربه عظیم قرن را در بعد سازندگی و رهاسازی انسان مشاهده کنند و استکبار می خواهد جوهره معنویت این انقلاب را از میان بردارد و در بعد اخلاقی زیر پای آن را خالی کند و چهره آنرا مخدوش سازد و ما باید بهوش باشیم در این توطئه نیفتیم و آنچه را زشتی و ابتذال عصر ستمشاهی می دانستیم و خلاف شرع و وابستگی و فساد می نامیدیم، امروزه کانالیزه نکنیم و زیبا نمایش ندهیم و لباس مشروعت بر آن نپوشیم و از شرع و احکام الله سوء استفاده نکنیم که نه خدا به این راضی است و نه به صلاح اسلام و انقلاب ماست. مردم ما محرومیت، شکنجه، شهادت، اسارت و

آوارگی و انواع مصائب را با قامتی بلند و استوار تحمل کردند تا فرهنگ طاغوت را بزدایند و تنگ فساد و ابتذال را از دامن میهن و ملت بشویند اما همین مردم، یعنی صاحبان اصلی انقلاب، از لجام گسیختگی‌ها و هوسبازیهای معدودی زن و مرد بی درد شدیداً رنج می‌برند. اینان در تماس‌ها و نامه‌ها همدلی و همصدائی خود را با مطالب عنوان شده در صفحات مجله ابراز می‌دارند و التماس می‌کنند پیش از این با دشمنان بی درد این انقلاب برخورد شود و از مسامحه کاریهای برخی دست‌اندرکاران امور در مقابله جدی با عناصر فساد شکوه و گلابیه دارند و سخن‌ها از این قبیل که بیش از شمار است...

خلاصه کلام آنکه: دشمن اعلام جنگ داده، جنگی که این بار عرصه گاه آن، فرهنگ و اخلاق و روح معتقدات جامعه است. هفته نامه آمریکائی «اسکرو» پس از ماجرای سلمان رشیدی نوشت: «مادریک جهان در حال جنگ بر سر می‌بریم. این بار جنگ جهان سوم بر سر تصرف زمین‌ها در نمی‌گیرد؛ این جنگ برای کنترل افکار و روحیات بشر آغاز خواهد شد و عرصه آن دهکده جهانی عفاوند اطلاعات است»!

آری این است سیاست امپریالیسم تبلیغی و فرهنگی غرب و شیطان بزرگ در قبال ارزش‌های معنوی و ما باید خط مشی سیاسی مان را در راستای مقابله با این حمله تنظیم کنیم بویژه در بعد فرهنگی، و با جنگ و دندان به پاسداری از معنویت و اخلاق و فرهنگ و استقلال بپردازیم و فرهنگ ابتذال را طرد کنیم. این سیاست با تار و پود این انقلاب عجین بود و باید همواره چنین باشد و اندک تزلزلی در آن رخته نکند که هرگونه تسامح و تساهل بمعنی عقب‌نشینی در برابر تهاجم دشمن خواهد بود.

### تبلیغات شیطانی امپریالیسم

کشورهای بزرگ امروزه بودجه‌های کلان همراه با تکنیک و هنر مدرن! را برای اشاعه فرهنگ و آرمانهای امپریالیستی پیکار گرفته‌اند. بودجه تبلیغاتی یکساله آمریکا به ۹۰ میلیارد دلار بالغ می‌گردد و با ده هزار کانال ماهواره‌ای و صداها پایگاه رادیو و تلویزیونی و با ده‌ها زبان زنده دنیا تبلیغ می‌کند با اضافه روزنامه، مجله و کتاب در تیراژ

میلیونی و غیر اینها... مدیر خبرگزاری آسوشیتد پرس گفت: «یک میلیارد مردم جهان اخبار و اطلاعات خود را از ما می‌گیرند» و چنین است وضع تبلیغات امپریالیستی در سایر کشورها و دیگر دقالت‌ها و مراکز خبری امپریالیستی و صهیونیستی... اضافه بر اینها فیلم‌ها و نوارهای ویدئویی و... که به کشورهای دیگر صادر می‌کنند و بدینگونه در خانه‌ها حضور فرهنگی دارند...

ببینید که یک سریال تلویزیونی ژاپنی بدون اینکه به تصدیق کارشناسان از شاهکار هنری فوق‌العاده‌ای برخوردار باشد و مفاهیم ارزشمندی را همراه بیاورد و در حد همین حرف‌های روزمره خانوادگی و بنگومگوهای معمول است، تا کجا خانواده‌ها را سرگرم کرده و تغذیه می‌کند و فیلمهای خارجی دیگر که بیش و کم در سینماها یا صدا و سیما نمایش داده می‌شود و زنان بی حجاب خارجی در آن هنرنمایی می‌کنند که خالی از بدآموزیهائی نیست...

### ریشه‌های فساد عمیق‌اند!

از قبلیلهای وارداتی خارجی که بگذاریم به شیرین‌کاری‌های داخلی مشتاقان آن فرهنگ می‌رسیم. به نیست از تئاتر تالار سنگلج در اینجا مثال بیاوریم روزنامه رسالت در این باره نوشت: «سری به تالار سنگلج بزنید به تماشای نمایشی با نام «ریشه‌ها عمیق‌اند» و جلو چشمان ناآوردتان زنهایی را مشاهده کنید با موهای افشان و آرایش غلیظ و لباس‌های زلفده که روی صحنه تئاتر مشغول نمایش‌اند. وقتی وارد تالار سنگلج بشوید محال است باور کنید اینجا تهران است، پایتخت ایران اسلامی و انقلابی! ایران شهید داده، ایران اسیر داده... نمایش ریشه‌ها عمیق‌اند، در حقیقت نمایش زنهایی است که نمونه آنرا فقط در جاهلیت شاهنشاهی می‌توان سراغ داشت. مسئول این سهل‌انگاری کیست؟ این تئاتر مستهجن با اجازه کدام مرکز و کدام مسئول به صحنه آمده؟ اگر مسئولین ذی‌ربط در مرکز هنرهای نمایشی وزارت ارشاد این نمایش را ندیده و اجازه نمایش داده‌اند که واسفا و اگر دیده‌اند و اجازه داده‌اند که وامصیبتا».

گرچه در شماره بعدی این روزنامه از طرف مرکز هنرهای نمایشی از نمایش مزبور عذرخواهی

کردند! و تعطیل آنرا اعلام نمودند و گفته شد که زنان در این نمایش از پوستیز (کلاه گیس) استفاده کرده بودند و ظاهراً بی حجاب نبودند نه واقعا! اما جای چند سوال باقی است. یکی اینکه آیا این عذرخواهی عذر بدتر از گناه نیست؟ زیرا اگر مسئولین مرکز هنرهای نمایشی وزارت ارشاد اسلامی تا این اندازه بی‌خبر یا بی‌خیالند و فرهنگ این جامعه را نمی‌شناسند و به هنر و ارزشهای واقعی محیط واقف نیستند و شرائط و مقتضیات را و احساسات و انتظارات را نمی‌توانند ارزیابی کنند چرا تصدی چنین مسئولیتی به اینان داده شده است؟! باید این آقایان بدانند هنر و فرهنگ ابتذال با فرهنگ و هنر اسلامی و انقلابی ما فرسنگ‌ها از یکدیگر فاصله دارند...

سوال دیگر آنکه بسیار خوب! این زنان از پوستیز استفاده کرده بودند، بی حجاب می‌نمودند اما بی حجاب نبودند! اما آیا دفاع از این جریان، نامعقول و غیرموجه نیست؟

زیرا درد و مشکل ما این نیست چند زن هنرپیشه پس مانده طاغوتی در فیلم یا تئاتر و صحنه‌ای در هیأت بی حجاب باید حجاب ظاهر شوند. مسئله از نظر شخصی و موردی چندان مهم نیست. مشکل و درد جای دیگر است: مشکل این است که اینگونه برنامه‌های بدآموز، نمایش یک فرهنگ است. فرهنگ بی حجابی، ابتذال، احیای ارزشهای منسوخ جاهلیت ستمشاهی و غرب زدگی که بطور خزنده در جامعه انقلابی ما می‌آید و اگر جلو آن گرفته نشود فردا و فرداها رشد و توسعه یافته و غیرقابل کنترل خواهد بود.

آقایان! از خود بپرسید چرا فرانسه به جنگ روسی چند دانش آموز دختر رفته است؟ آیا حضور چند دختر دانش آموز با دانشجو چه بازتابی در فرهنگ و سیاست فرانسه دارد؟ پاسخ همانست که خودشان دادند. وحشت از نفوذ اسلام و دهن کجی علیه فرهنگ غربی... ما نیز در چنین موضعی قرار داریم با این تفاوت که آنها از اسلام و فرهنگ انقلاب و شرافت اخلاقی روگرداندند و ما مورد هجوم فرهنگ ضد ارزشی غرب قرار گرفته ایم و هنوز از جنگ با این تهاجم خلاص نشده و خونها را شنشو نکرده‌ایم که دشمن نمی‌خواهد ما را خلع سلاح کند و حالا که از دیرباز شده از روزی در آید! از گوشه

و کنار جبهه می‌گشاید: مواد مخدر، نفوذ اخلاقی در برخی فشرهای مرفه و بیمار، هدف قرار دادن جوانان و نوجوانان، باندهای فساد و شب نشینی‌های شمال شهر بطور مخفیانه فیلم‌های وارداتی و احياناً تولیدی و زنان پر غنج و دلال آنجسانی با آرایش تند. در این فیلم‌ها، احیای تئاترهای مهیج منسوخ بعنوان موسیقی اصیل! ایرانی و پروبال دادن به اساتید این فن! و دهها برنامه در تالارها باین عنوان... و بالاخره

بدحجابی که چهره دیگری حجابی است، و برخی سفرهای توریستی وارداتی و صادراتی که خدای عاقبت آنرا بخیر کند! و کتاب‌های مبتذل و مجلات وقیح که صریحاً علیه ارزشهای اسلامی می‌نویسند و گوشه می‌زنند و حجاب را تمسخر می‌کنند جلوه چشم ناظران مشغول مطبوعات و غیره... اینها اگر چه هنوز به اوج نرسیده اما زنگ خطری است که نوطه شومی را باز می‌گوید که اگر در نطفه خفه

نشود فردا و فرداها قابل کنترل نخواهد بود و هنگامی بیدار می‌شویم که معرکه را باخته‌ایم... ادامه دارد

- ۱- مجله الهلال النبوی - جمادی الاولی ۱۴۱۰.
- ۲- بنقل از روزنامه کیهان ۶۸/۹/۲۷.
- ۳- کیهان ۶۸/۹/۲۰ از العالم چاپ لندن.
- ۴- کیهان ۶۸/۱۰/۱۲ ص ۱۲.
- ۵- روزنامه رسالت ۶۸/۹/۲۹.

### بقیه از خوف و خشیت ملائکه

تکیه بر اصنام می‌خواهد به جانی برسد، تلاش بی‌ارزش و بی‌ثمر است و از آب گوارا چیزی نصیبش نخواهد شد. ممکن است کافر سالیان دراز در برابر یک مکتب الحادی، خضوع کند و دست دراز کند که عطشش برطرف گردد ولی هرگز آن عطش برطرف نمی‌شود، زیرا آن راهی که رفته است، او را به جانی نمی‌رساند.

قرآن کریم در سوره تکویر از لسان مبارک رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم، می‌فرماید به اینکه این حرفهای من حرفهای وحی است و سخن شیطان نیست، پس به کجا می‌روید؟ «وما هو قول شیطان رجیم، فاین تذهون»<sup>۱۱</sup> این راهی که شما می‌روید، راه نیست؛ راه آن است که انسان را به هدف الهی برساند.

قرآن تمام این مسائل را تبیین می‌کند و می‌فرماید که مؤمن راه را شناخت و هدف را دید و از آن راه به هدف می‌رسد ولی کفار هدف را تشخیص ندادند، لذا به بی‌راهه می‌روند و این مطلب را گاهی به این صورت بیان می‌کند که پایان رفتن آن ای کفار- سراب است و گاهی به اینصورت توضیح می‌دهد که در این راه که قدم گذاشته‌اید، راه نیست.

هر ادعائی که دارید بکنید و هر تلاشی که دارید بنمائید، این بت‌ها هرگز نمی‌توانند به شما فایده‌ای برسانند و نه می‌توانند اصل آسیب را از شما بردارند چون کاری از آنها ساخته نیست «فلا یملکون کشف الضر عنکم ولا تحویلها»<sup>۱۲</sup> در سوره رعد نیز پس از آیه مورد بحث می‌فرماید که آنها نمی‌توانند خودشان را تأمین و اداره کنند، آن وقت چطور می‌خواهد که مالک نفع و ضرر شما شوند؟ «قل من رب السموات والارض قل الله، قل انما اتخذتم من دونه اولیاء لا یملکون لانفسهم نفعاً ولا ضرراً»<sup>۱۳</sup>.

اما درباره مؤمن می‌فرماید: مؤمن کسی است که راهش را تشخیص و هدفتش را معین نموده است. پس از آیه ۵۶ سوره اسراء که تنها را بی‌ارزش معرفی کرد، درباره مؤمنین می‌فرماید: «اولئک الذین یدعون یتغون الی ربهیم الوسیله ایتهم اقرب و یرجون رحمته و یخافون عذابه، ان عذاب ربک کان محذوراً»<sup>۱۴</sup> آنان که خدا را می‌خوانند، در پی بدست آوردن وسیله هستند،

کدام نزدیکتر است به او، و رحمتش را می‌جویند و از عذابش می‌هراسند، چرا که عذاب پروردگارت، سخت و هراسناک است.

قرآن کریم می‌فرماید آن‌به که وسیله‌الی الله است، آن را بجویند. و بهر حال، عبادات وسیله الهی است، چه مستحباتش و چه واجباتش و همه دستورات و مستنی که به ما رسیده است، وسیله‌های الهی‌اند، و مؤمن است که در سیاق است و سعی می‌کند، گوی سبقت را بریاید «ایتم اقرب» کدام یک زودتر از دیگری پیش می‌برد، چون راه خیر است و هیچ تراحمی هم در آن نیست. هم مسابقه را تجویز کرده و هم تشویق کرده است که شما زودتر و جلوتر از دیگران به مقصد برسید؛ این مؤمن است که راه را شناخت و هدف را هم شناخت و اما کافر است که نه هدف را شناخت و نه راه را و لذا بی‌راهه می‌رود، و معنای بی‌راهه رفتن را در ذیل آیه تبیین کرد و فرمود: «وما دعاء الکافرین الا فی ضلال» ضلالت یعنی گمراهی و بی‌راهه رفتن.

در سوره نور مستقیماً راجع به هدف سخن می‌گوید و در سوره رعد مستقیماً درباره راه سخن می‌گوید. بنابراین، اگر چیزی مالک هیچ امری نباشد، خواندن آن مانند این است که انسان تشنه در بیابانی به یک چاه زلال پیر آبی برسد و دست دراز کند که آب بیاشامد ولی دستش به آب نرسد و عطش او فروکش نکند، یا اینکه آشار زلالی از دور ریزش می‌کند و او دست دراز کرده که رایگان و مجانی آب بدستش برسد و آن را بیاشامد. این هم شدنی نیست. زیرا نیاز به جبل و ریسمان دارد؛ این جبل همان رابط مستقیم بین خلق و خالق است، «واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا»<sup>۱۵</sup>.

- ادامه دارد
- |                         |                         |                             |
|-------------------------|-------------------------|-----------------------------|
| ۱- سوره نحل- آیه ۵۰.    | ۷- سوره حجرات- آیه ۱    | ۱۳- سوره اسراء- آیه ۵۶.     |
| ۲- سوره اعراف- آیه ۲۰۵. | ۸- سوره رعد- آیه ۱۴.    | ۱۴- سوره رعد- آیه ۱۶.       |
| ۳- سوره نحل- آیه ۵۳.    | ۹- سوره یونس- آیه ۳۲.   | ۱۵- سوره اسراء- آیه ۵۷.     |
| ۴- سوره نحل- آیه ۱۰.    | ۱۰- سوره توبه- آیه ۱۰۳. | ۱۶- سوره آل عمران- آیه ۱۰۳. |
| ۵- سوره رحمن- آیه ۴۶.   | ۱۱- سوره نور- آیه ۳۹.   |                             |
| ۶- سوره تیب- آیه ۲۷.    | ۱۲- سوره تکویر- آیه ۲۵. |                             |